

## باید قوی شویم تا جنگ نشود

# اضطراب «پروانه»

مسئول روابط عمومی پارکینگ پروانه: فقط بحث ایمنی نیست  
شنیده‌ایم که مالک پلاسکومی خواهد پارکینگ را از شهرداری بخرد



پیوست اجتماعی پروژه استاد معین نارضایتی اهالی را تایید کرده بود

## صدای شهروندان در زیرگذر گم شد

پرونده‌ای درباره بی‌اعتنایی  
مدیریت شهری به آرای شهروندان  
بایادداشت‌هایی از  
ناصر فکوهی، حسین سراج‌زاده  
سعید معید فروهادی برغم‌دی

سید محمود حسینی / آتسنیم

۲۰ خانواده قربانیان حادثه تشییع کرمان  
به بیت رهبری عریضه بردند

## پرونده عزیزانمان تعیین تکلیف شود

رودررو با کوروش آهاری  
کارگردان فیلم آن شب

## هراس درونی شخصیت‌های یک فیلم رمزآلود

شبکه جهانی اینترنت در ایران به دلیل برقراری  
امنیت سایبری با اختلال مواجه شد

## حمله زامبی‌ها به اینترنت ایران

نگاهی به دستاوردهای جمعیت هلال احمر در آستانه  
چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

## داوطلبانه در خدمت مردم

## خروج از تفکر انحصاری مهندسی، راه حلی در برابر بحران‌های شهری

دانش‌آموخته‌ها و حرفه خود نیست که کاملاً طبیعی می‌نماید هر کسی کار خود را مهم‌ترین دست‌کم به همان اندازه مهم بیندازد که کار دیگران است. این تمایل میراثی استعماری برای تمام کشورهای در حال توسعه است. زمانی که استعمارگران در نیمه نخست قرن بیستم کشورهای جهان سوم را ترک کردند، تنها با روشکست پیش از چند صد سال توهم «عمران و آبادی» دیگر کشورها را با خود نبردند، زیرا در نهایت و در کوتاه مدت و میان مدت همه چیز به سود آنها تمام شده بود: کارخانه‌هایشان رونق گرفته بودند، مردم کشورهای جهان سوم به مصرف‌کنندگان و اقتصادهایشان به اقتصادهای اغلب تک‌محصولی تبدیل شده بودند و بازار جهانی اقتصادی کاملاً در اختیار کشورهای استعماری قرار گرفته بود و نتیجه نیز امروز قابل مشاهده است: جهان سومی فروپاشیده و تخریب شده و غربی که هنوز در بهترین موقعیت قرار دارد. هر چند این وضع بی‌شک ادامه نیافته و بحران جهان سوم به کشورهای توسعه یافته و کل جهان تسری کرده است و همه را گرفتار خواهد کرد. اما در حال حاضر این کشورهای مستعمره پیشین هستند که سخت‌ترین ضربات را تحمل می‌کنند و مردمانشان تلاش دارند با مهاجرت گسترده خود را (نجات) دهند. اما از میراث‌های شوم استعمار برای کشورهای در حال توسعه یعنی مستعمرات پیشین آنها این باور اسطوره‌ای و خیالی به قدرت «مهندسی»، «علوم دقیقه»، «ساختن و آبادی مادی» بود: این باور حیرت‌انگیز که هر چه می‌توانند جاده، ساختمان، مدرسه، بیمارستان، کوچه، خیابان، فروشگاه، فرودگاه، ایستگاه، خودرو، هواپیما، قطار، موتور و... بسازند و این کار را با طراحی و مهندسی کردن همه محصولات، همه روابط حتی انسانی‌ترین روابط انسانی و فرهنگی در کشورهایشان ادامه دهند و مطمئن باشند که همه مشکلاتشان به صورت معجزه‌آسایی حل خواهد شد. نتیجه امروز نه پیش‌روی ما که پیش‌روی مردم جهان در حال توسعه است: اقتصادهای معیشتی آنها تخریب شده است، کالاهای کشاورزی را باید وارد کنند و تقریباً همه در اقتصادهای تک‌محصولی وارد شده‌اند که هیچ تسلطی بر بازارهای آنها در سطح جهان ندارند. شهرها آشفته، آب و هوا و خاک‌ها آلوده، مردمان عصبی و آشفته، نبود سیستم‌های مدنی و از میان

رفتار سیستم‌های سنتی مدیریت و صلح اجتماعی. آنچه سال‌هاست ما به عنوان متخصصان فرهنگ و جامعه بر آن پای می‌فشاریم این است که تا از این گونه تفکر تک‌بعدی که مهندسی و طراحی‌های مادی می‌توانند مشکلات ما را حل کنند، تا زمانی که درک نکنیم محور اندیشه ما نه ساختن و ساز به خودی خود بلکه پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدتی است که این ساخت‌وسازها بر زندگی نه فقط انسان‌ها بلکه همه موجودات دیگر و طبیعت دارند، راه به جایی نخواهیم برد و آنچه معجزه اقتصادی و پیشرفت تصور می‌کنیم، می‌تواند به دوزخی برای همه‌مان تبدیل شود. شهر صرفاً تجمعی از مردم نیست که نیاز به ساخت‌وساز خانه، خیابان، زیرگذر، پل، پارکینگ، فروشگاه و تأسیسات داشته باشد. یک محله صرفاً آنکه ای از یک شهر نیست که مثل هر تکه‌ای دیگر از شهر باشد و مردم آن تنها یک بخش از مردم نیستند که شبیه همه مردمان دیگر شهر باشند. پیچیدگی عناصر شهری و انسانی به حدی زیاد است که امروز در همان جهان توسعه یافته که برای ما نسخه‌های مهندسی می‌پیچید، دیگر هیچ شهری حتی با جمعیت متوسط‌ترانی توان یافت که در آن تفکر و مطالعات و ارزیابی‌های اجتماعی بر تفکر فناورانه و صرفاً مهندسی اولویت نداشته باشد. حتی همین نکته که آتاف در ایران اجباری شد، به این روند عمومی جهانی مربوط می‌شود. در این میان پرسش مشروع مردم آن است که چرا مسئولان به جای اولویت دادن به مطالعات اجتماعی یا دست‌کم جدی گرفتن آنها به نسبت اندیشه صرفاً مهندسی و جست‌وجوی وسواس‌آمیز و بی‌معنا برای یافتن راه‌حلی مهندسی برای هر مشکل شهری، رویه‌ای را که در همه جهان پیش گرفته شده آن هم در شهرهای چند میلیونی که به مراتب همه موارد گفته شده، حادث هستند، پیش نمی‌گیرند. شک نداشته باشیم که اگر این کار را نکنیم، با مشکلاتی دائمی روبرو خواهیم شد و در روابط صرفاً مهندسی و مادی در شهر روبرو خواهیم شد و آن هم نه در آینده‌ای دور، بلکه در چشم‌اندازی کوتاه مدت و میان مدت. □



ناصر فکوهی

استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران

غرض از این یادداشت بررسی، نقد، تأیید یا تکذیب یک پروژه نیست. می‌دانیم که در هفته‌های اخیر افتتاح پروژه زیرگذر استاد معین در تهران از یک سو سبب مناقشه‌ها و اعتراض‌های زیادی شد و از سوی دیگر به آنجا رسید که هر یک از مسئولان خود را «مسئول» ندانند و مسئولیت آن را به عهده دیگران بیندازند. در نگاه نخست هیچ یک از این دو مورد نه جدید است و نه شاید چندین به خودی خود قابل تامل؛ زیرا ساختارهایی هستند که در کشور ما دائم تکرار می‌شوند: اعتراض مردم و مسئولیت‌ناپذیری و پاسخگو نبودن مدیران. نکته‌ای که ما می‌خواهیم در این یادداشت کوتاه بر آن تأکید کنیم به صورت غیرمستقیم به ریشه‌چین ساختاری مربوط می‌شود و امید ما همیشه آن بوده و هست که اگر تأمل لازم بر چنین تحلیل‌هایی انجام بگیرد، شاید در آینده کمتر شاهد این موارد باشیم. زمانی که در تهران و سایر شهرهای برنامه‌های ارزیابی اجتماعی و فرهنگی طرح‌های توسعه مطرح و اجباری شد، اغلب دست‌اندرکاران علوم اجتماعی نه تنها از این امر استقبال کردند و برای نخستین بار در شهرسازی و ساخت‌وسازهای توسعه‌ی ظاهر توجه به سوی عنصر انسانی کشیده شد، بلکه خود آنها در صف اول داوطلبان برای اجرای طرح‌های «اتاف» قرار گرفتند. شکی نیست که کار این متخصصان در طول بیش از ۱۰ یا ۱۵ سال اخیر بدون نقص نبوده است و نگارنده خود از جمله کسانی بود که در طرحی فراتحلیلی حدود ۱۰ پروژه تمام‌یافته را به دقت بررسی و نقد کرد تا کار به سوی بهتر شدن پیش برود. مشکل اما در جای دیگری است که مصداق آن را این بار هم در این پروژه و اعتراض‌های مردم و تکذیب مسئولان می‌بینیم. تمایل به مهندسی دیدن و مهندسی عمل کردن در پهنه‌های شهری و در حوزه توسعه به‌طور عام صرفاً امری صنفی و ناشی از تمایل به برتر